

در حاشیه اظهارات آقای صادق زیبا کلام

نسبت به شورش ۵۷

امیرفیض- حقوقدان

آقای صادق زیبا کلام با توسل به اظهاراتی خواسته اند به شورش ۵۷ اصالت انقلابی و مردمی بدهند.

از جمله تمسک های ایشان این ادعای اوست که اگر در سال ۵۷ از یک میلیون و یک میلیون و نیم نفری که در راه پیمائی شرکت کردند که چرا خواهان سرنگونی شاه هستید، دلیل میآوردند، ولی متوسل به توطئه خارجیان نمیشدند و انقلاب را اصیل و خود جوش میدانستند.

✚ استاد آقای زیبا کلام مستقر بر شرط «اگر» است و نتیجه گرفته اند که اگر پرسش میشد با چنان جوابی (که ایشان پرسش نکرده به آن رسیده اند) مواجه میشدند. نتیجه گیری از اگر کار تحقیقی و منطقی و علمی نیست. فرهنگ عامه هم اعتباری بر آن قائل نیست و میگوید >اگر رابا مگر تزویج کردند از آن طفلی برآمد کاشکی نام< از یک استاد دانشگاه آنهم مدعی جامعه شناسی بعید بود که نتیجه گیری از یک بحث بسیار اصولی و حقوقی و منطقی را به اگر پیوند بزنند.

دین اخلاقی این تحریر

اساسا این تحریر مدیون است اگرچه این اشاره وارد نشود:

✚ سیاق مطلب مقاله نمیتواند منتسب به یک استاد جامعه شناس باشد خیلی ضعیف و سطحی است و نشان میدهد که نویسنده مطلب براسناد دخالت آمریکا در شورش ۵۷ با گذشت ۴۰ سال هیچگونه اشرافی ندارد.

تصور میکنم کسی در کار جامعه شناسی ایران ویا مسائل سیاسی حتی سطحی باشد و علیرغم وجود ملاحظات عدیده و کافی هنوز در خم تردید دخالت آمریکا و انگلستان در شورش ۵۷ گیر کرده باشد.

✚ نوامصاحبه آقای الکساندرهیگ وژنرال هایزر؛ اولی میگوید ما مخالفین شاه را از چپ و راست متحد کردیم وایران رابه گورستان تاریخ فرستادیم؛ و دومی ضمن تائید ماموریتش در خنثی سازی ارتش اضافه کرده است که این حق ماست که در هر کشوری که منافع داریم دخالت کنیم.

✚ گزارش شبکه تلویزیونی ای - بی - اس در دوشنبه چهاردهم فوریه ۱۹۸۳ در لوس آنجلس آقای هرشن در تفسیر وقایع ایران گفته است:

>ما اشتباه بزرگی مرتکب شدیم که در نتیجه آن هزاران انسان بی گناه جان خود را از کف دادند و به خاطر چنین سیاست غلطی دنیای امروز بیش از گذشته درهم ریخته است ممکن است روزی ۴۰ سال دیگر سریال هائی بر پرده تلویزیون ها منعکس گردد و بچه ها از والدین خود خواهند پرسید ایالات متحده چه

کرد؟ نقش ما چه بود؟ وظیفه ما این خواهد بود که ما به آنها بگوئیم که ما این بلاها را سر شاه ایران آوردیم و در اثر سیاست خود به مخالفین شاه این توان را دادیم که قشریون مذهبی بر ایران حاکم شوند و باید بگوئیم که اغلب آمریکاییها درباره آنچه که شاه انجام داده بود گمراه شدند و چاره دیگری برای شاه وجود نداشت<

(مشروح درسنگراول تیرماه ۱۳۸۴)

✚ آقای رابرت دریفوس عضو اینتلیجنس ریویو در کتاب گروگان خمینی نوشته است:

**>انقلاب ایران با همکاری سه کشور آمریکا و انگلستان و شوروی پایه گذاری گردید
چون با قدرت ارتش ایران و پیشرفتهای غیر قابل تصور ایران توازن قدرت در منطقه
نا متعادل گردیده بود.<**

✚ آقای لیندون لاروش در مقاله ای که در نشریه سی ای آر جلد ششم شماره ۱۲ از تاریخ ۱۶ تا ۲۶ ژانویه منتشر شده نوشته:

>حداقل بیست تاسی موسسه جدا گانه برای مراقبت و تضمین پیشرفت شورشیان علیه شاه ایران مجهز شده بود که مهمترین آنها بنیاد صلح برتراند راسل (این بنیاد همان است که اعتصابات نفت جنوب ایران را راه انداخت و رهبری کرد)<^۱
(لیندون لاروش)

شهادت رئیس جمهوری آمریکا آقای ریگان که رسماً کارتر را مسنول سقوط رژیم شاهنشاهی ایران دانست و آقای سفیر انگلیس که مسائل جهانی نفت و اقدامات شاه برای حفظ حقوق مردم ایران را عامل هماهنگی بین المللی علیه شاه شناخته و در مصاحبه ای صریحاً گفته است:

>شاه چکمه های بزرگ تری از پایش را به پیا کرده بود و صریحاً عدم رضایت کشورش را از پیشرفتهای ایران اعلام داشته است<
(مشروح در کیهان شماره دوم لندن)

اینها که ارایه میشود قطره هائی از دلایل و مستندات اثبات دخالت آمریکا و انگلستان در امور ایران در جهت پیروز ساختن شورشیان است. خود بازرگان گفته است: >اگر حمایت آمریکا از ما نبود انقلاب موفق نمیشد؛ نهضت آزادی رسماً از آمریکا خواسته بود که در مقابل شاه ایسادی کنند.<

(اسناد سفارت آمریکا)

✚ ** آقای ایوانز آمریکائی کتابی تحت عنوان >حرکت نهائی بعد از عراق< نوشته که بنابر اعلام نیویورک تایمز در ردیف پرفروش ترین کتابها قرار گرفته است.

نویسنده کتاب همه حوادث منطقه را با اشتباه کارتر مرتبط میداند. انقلاب اسلامی ایران اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی، جنگ ایران و عراق، پدیده ای بنام بن لادن و بالاخره آنچه امروز در عراق و افغانستان و ایران میگذرد همه و همه به اعتقاد نویسنده کتاب ناشی از اشتباه کارتر در مورد خمینی و

۱- شاهنشاه هنگامیه در پاناما بودند در گفتگویی با دیوید فراست میگویند: «روشن و مسلم است خمینی به تنهایی قادر به انجام اینکار نیست، مسلمان ابزار های پروپاگاندای زیادی در تدارک این کار به او کمک کرده اند...»
ح-ک

شاه است. نویسنده کتاب از قول ژنرال هایزر نوشته است که از هایزر شنیدم که گفت: <اگر کارتر از خمینی حمایت نمی‌کرد هرگز خمینی موفق نمیشد.> (کیهان لندن ۱۱۶۲)

✚ روزنامه گاردین در ۱۵ مارس سال مسیحی ۲۰۰۷ نوشت:

راهبرد آمریکا در خاورمیانه بوی نفت و سلطه را میدهد اهداف واشنگتن به سرنگونی رژیم‌ها محدود نشده و تازیر سوال بردن اساس و بنیاد ملت‌ها هم تسری میابد و سیاست طراحی شده آمریکا تقسیم کشورهای عرب خاورمیانه مانند کشورهای بالکان است.

✚ دکتر جان کولمن نوشت: <کارتر به پیروی از دستورات شورای روابط خارجی در صدد سرنگون کردن حکومت شاه برآمد؛ دکتر کولمن در کتاب او تحت عنوان واقعا در ایران چه حادثه ای روی داد فهرستی از همه شرکتها و موسسات وابسته به موسسه سلطنتی امور بین المللی را ارائه نموده و به شماری از حاکمان و قدرت‌های عظیم آنها که در سرنگون کردن رژیم شاه نفوذ گسترده خود را بکار برده اند اشاره شده است.>

(کتاب واقعات های تازه در مورد ایران گیت صفحه ۲۷۶)

اینها و مراتب مشابه آنها اظهار من الشمس است نمیتوان از آنها برای رد ادعای ناپخته و خام آقای زیبا کلام استفاده کرد زیرا مسائل ادعای ایشان با جواب های قاطع و شهادت های معتبر روبرو شده است و اگر ایشان در ۴۰ سال گذشته موقعیتی نداشته و یا نخواستند به آن اسناد مکرر در مکرر بازگو و انتشار یافته توجه کند اکنون هم رجوع مجدد به آن بی فایده است.

هدف محدود این تحریر

دائرة این تحریر محدود به موردی است که در ابتدای این تحریر به آن اشاره شد مبنی بر اینکه نفراتی که در تظاهرات راهپیمایی شرکت کردند نگفتند که آمریکا در شورش ۵۷ دخالت داشته است.

رد ادعای خام ایشان

ایشان شاید آگاه نباشند که همین مقوله مورد توجه و ایراد ایشان که با واژه **اگر** شروع شده از طرف کارشناسان اجتماعی و سیاسی سفارت آمریکا در تهران در بحبوحه شورش ۵۷ مورد بررسی قرار گرفته است و نتیجه گزارشات آنها نشان میدهد که برعکس تصور ایشان آنهم در عبارت شرطی اگر، ایرانیان به دخالت خارجیان در شورش ۵۷ متفق القول بوه اند.

اسناد اثباتیه

۱- در تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۷۸ برابر ۲۶ امرداد سال ۵۷ گزارشگر سفارت آمریکا در تهران آقای استمپل گزارش مفصل چندین صفحه ای تحت عنوان <ماکجاهستیم و به کجامیرویم> بصورت سری و غیر قابل رویت برای خارجیان به وزارت خارجه کشور متبوع خود فرستاده است در بخش ۱۱ آن گزارش آمده است.

> برای آمریکا نیز این یک دوره حساسی است چنانکه ما در گزارشهای قبلی تذکر دادیم عملاً تمام ایرانیان معتقدند که دستهای خارجی در آنچه که اینجا (ایران) اتفاق می افتد دخالت دارند؛ هرچه که ما بعنوان یک دولت یا بعنوان افراد رسمی میگوئیم یک نفر در اینجا آنرا یا بعنوان حمایت از شاه و یا مخالفت با او تعبیر خواهد کرد، این تصور نفوذ خارجی درحقیقت به ما مقداری نفوذ میدهد، درچند هفته آینده بعد از بازگشت سفیر ما در مورد نقشمان در اینجا مشاهدات بیشتری خواهیم داشت.<

(صفحه ۱۹ اسناد سفارت آمریکا)

۲- در تاریخ ششم سپتامبر برابر با ۱۵ شهریورماه ۱۳۵۷ گزارش رسمی محرمانه ای از جانب کنسول آمریکا در اصفهان به وزارت خارجه کشور متبوعش ارسال شده که در آن آمده است.

> در هفته های اخیر سفیر و من از چند مقام عالیرتبه تلویحا این اتهام را دریافت کردیم که آمریکا بنحوی در تظاهرات وارد شده است و از مخالفها حمایت میکند، سفیر اکیدا این اتهامات را رد کرد و پیشنهاد کرد که هروقت لازم است برای بازدید و یا تجربه هر مدركی که آنها فکر میکنند برنیرنگ آمریکا دلالت دارد ملاقات داشته باشید اگر لازم باشد شما هم محکم بایستید.

در ماه های آینده ایرانیان از هر جنبه سیاسی در پی نشانی هائی از نظریات آمریکا در مورد مسائل داخلی ایران خواهند بود و این موقعیتهای دشوار و حساسی برای ما بوجود خواهد آورد که میتواند به آسانی منجر به سوء تفاهماتی شود بنابراین من مطمئن هستم که شما خیلی محتاط خواهید بود و نکات زیر را در هر جا که مقتضی باشد در بحثهای خود اعلام خواهید کرد.<

آموزشهای سفیر در دنباله مطلب است که موثر در موضوع این تحریر نیست

(همان جلد ۱۲ اسناد سفارت آمریکا صفحه ۳۳)

۳- در بیست و پنجم اکتبر سال ۱۹۷۸ جلسه مهمی از رابرت کرن مدیر آژانس ارتباط های جهانی امور خاور نزدیک و واشنگتن و آقای جک شلنبرگ رئیس آژانس ارتباط جهانی ایالات متحده و کارمند روابط عمومی با حضور آقایان فریبرز عطاپور و علیرضا فرمند ایرانیان دست اندر کار خبر و مطبوعات برای رسیدگی به اوضاع ایران تشکیل میگردد.

در گزارش آن جلسه آمده است:

> ایالات متحده آمریکا در یک موقعیت غیربرنده قرار گرفته است، مخالفان رژیم ایالات متحده را تنها پایگاه شاه میدانند هواداران رژیم همچنان احساس میکنند، که ایالات متحده برای تامین دسترسی خود به نفت و فروش تجهیزات نظامی با هر کس هر نوع معامله ای انجام خواهد داد اظهارات کارتر بویژه پیام تلفنی او از کمپ دیوید کمکی نکرده است و شایعات اینکه آمریکا مغز متفکر همه این جریانهاست تائید میشود.<

(همان جلد ۱۲ صفحه ۱۵۶)

۴- در تاریخ چهارم اردیبهشت برابر با ۲۴ آوریل ۷۹ گزارشی محرمانه از سوی ام مترنیکو به وزارت خارجه آمریکا داده است که بخشی از آن مستند این تحریر قرار میگیرد.

> برخی از فاتحین انقلاب از سوی مخالفین متهم به وابستگی به آمریکا شده اند و مسائلی که از سوی پرفسور بیل در مجله تایم بیان شد در مورد معاونین نخست وزیر انتظام و یزدی آغازگر یک سری حملات

به این شخصیت ها و دیگر مقامات انقلاب گردید، چاپ گفتگوهای ازا تعترافات ژنرال نیروی هوایی ریعی نیز آمریکا را در برابر سرزنش آشکاری قرارداد در شهادت دادگاهی ریعی ادعا کرد که ژنرال هویزر به عبارت دیگر دولت آمریکا مسنول مجبور کردن شاه به ترک ایران و مانع کودتایی به نفع او از طرف ارتش و نیروهای مسلح گردیده است، مامورین سفارت مرتبا از طریق دوستان و رابطن در مورد رل حقیقی آمریکا در وقوع انقلاب مورد سوال قرار میگیرند حتی در اغلب گفتگوها صحبت از ارتباط خمینی با سیای آمریکا است؛ وابستگی های طولانی رهبرانی چون یزدی - قطب زاده و امیرانتظام و گروه های دیگری از انقلابیون فقط هیزم به آتش آنها میریزند؛ آموزش اغلب انقلابیون همافر اساسا در آمریکا باعث سوء ظن از سوی آنانکه همه چیز را از دست داده تلقی میگردد در اصل تز این گروه از متهم کنندگان آمریکا این است که آمریکا شاه را قربانی کرد تا دولتی اسلامی بنیاد کرده ورژیمی ضد کمونیستی پایه گذاری کند.

مشکل میتوان از تاثیر دراز مدت اتهامات ضد آمریکایی مواضع ایرانیان نسبت به آمریکایی ها اطمینان یافت تقریبا هرایرانی با فرهنگی به نقش بزرگ آمریکا در جریان انقلاب ایران اعتقاد دارد <.....>

(جلد ۱۴ اسناد سفارت آمریکا صفحه ۱۳۵)

تفسیر مستندات

❖ در ادعای آقای زرین کلام بجای مردم از واژه نفر استفاده شده است گرچه نفر از اسباب شمارش شتر و در مورد انسان، به گروهی که کمتر از ۱۰ فرد باشد اطلاق میگردد؛ مع هذا این تحریر واژه نفر را در مقام مردم ایران گرفته است تا پاسخ این تحریر در توجه معنا به صاحب معنا سرگردان نماند.

از آنجا که مردم هر کشوری از جمله ایران مشتمل بر طبقات عوام و مردم با فرهنگ و صاحب نظران سیاسی هستند این تحریر هم برای شمول دلایل بر هر سه طبقه از مردم ایران، در رابطه با اظهار عقیده آنها به دخات آمریکا در شورش ۵۷ یک سند خاص ارائه داده است که فصل عقیده مردم ایران بردخالت آمریکا در شورش ۵۷ برای مردم اهل علم و منطق مختومه باشد.

هر چند علم منطق اجازه نمیدهد که مسائل نظری و مبتنی بر **اگر** و احتمالا و امثال آنها پایه بحث و فصل قرار گیرد و اگر غیر این روال رایج باشد گفتگو از مجرای منطق و اصول خارج میگردد مع هذا این تحریر، خفت عبور از قاعده را تحمل کرده و به عرض پاسخ مبادرت نمود (پایان قسمت اول سوال آقای زیبا کلام).

تعبد نه تعقل

شورش ۵۷ یک شورش مذهبی به اعتبار رهبری خمینی بود که رهبر مزبور مرجع تقلید ایرانیان و اهل شیعه کشورها هم شناخته میشد **رابطه مردم ایران با مرجعیت تقلید تعبد و تقلید است نه تعقل و تصمیم ارادی؛ اهل شیعه خود را مکلف از دستور مرجع تقلید میدانند، وقتی مرجع تقلید گفت شاه باید برود و یا طاغوت است اظهار علت لازم نیست مردم باید تبعیت کنند.**

در غیاب امام، مجتهد جامع الشرائط نایب امام است، فرمانفرما و رئیس مسلمانان است و همانطور که امام حق اظهار نظر نهانی در حوادث و پیش بینی ها و حکومت و فرمانفرمایی در میان مردم را دارد مجتهد جامع الشرائط تمام آن مناصب را دارا میباشد. کسی که بر فرمان او گردن نهد، فرمان امام رارده کرده است پس

مجتهد جامع الشرائط تنها مرجع فتوانیست بلکه دارای ولایت مطلقه درحکومت است و تصمیم درحوادث وقضاوت بنظر او انجام میگیرد.

(کتاب عقاید و تعالیم شیعه چاپ نجف صفحه ۶۱ و ۶۲)

رابطه بالا که ناظر به روابط اجتماعی مردم ایران است را نمیتوان به حساب کارسیاسی گذاشت؛ نمیتوان از آنها پرسید که چرا درتظاهرات شرکت میکنید، نمیشود از آنها پرسید علت مخالفت شما با شاه چیست، جواب آنها دریک کلمه است امر امام و فتوای مجتهد است.

گوسفند نه آدم

نیویورک تایمز با یک جوان ایرانی مقیم آمریکا که دردانشگاه تحصیل میکرد درسالهای بعد ازشورش ۵۷ مصاحبه ای داشت که آن جوان گفته است: >ما درجریان تظاهرات سال ۵۷ مانند گوسفندانی بوده ایم که بهر کجا آقای خمینی میخواست حرکت میکردیم.<

حقیقت دراظهارات آن جوان که با مبانی فلسفی ومذهب حاکم برکشورما برابری دارد کاملا نوشته آقای زیبا کلام که از مردمی که درتظاهرات سال ۵۷ شرکت کرده بودند، افراد یاد کرده درست است زیرا تنها افراد (شتر) و حیوانات هستند که آنطور عمل میکنند که افراد درشورش ۵۷ عمل کردند.